



جمهوری اسلامی و تکامل تاریخی

ایده‌باز

محمدجواد جلال‌زاده
مقدمه

اغلب به تدریج دیده می‌شود که تأسیس دولت جمهوری اسلامی گفتمی در مسیر تکمیل موسیقی (مفروضات) سیاسی در ایران و هم‌پایه ساختن آن با توسعه‌های اقتصادی است که از دهه‌های اول قرن بیستم شروع شده بود. این تحلیل نادرستی نیست اما باید تکمیل بیابد و نیاید به آن بسنده شود زیرا در صورت بسندگی به این تحلیل آنچه که باید آغاز تحقیق و تأمل زیر امون چشم‌اندازهای تکامل دولت در ایران باشد باین آن فرض می‌شود به عبارت دیگر این تعاریف اولیه به تنهایی نمی‌تواند منجر به ترک مشکلات و تجربه‌های ویژه‌ای شود که دولت جمهوری اسلامی تاکنون از سر گذرانده است.

دولت جمهوری اسلامی پس از تأسیس خود مدتی ای‌آفرید و تجربه‌هایی از سر گذرانده که به سادگی نمی‌توان آنها را نادیده می‌دانیم برای نهاد دولت در ایران در نظر گرفته دولت جمهوری اسلامی گرچه تا زمانی صوری و شکنجی برای نهاد دولت مدون را رفتار نهاد تأسیس گری‌ها و پیش‌ها در ایران بوده اما علاوه بر آن آغازی خلاصه برای اضافه کردن جنبه‌های دیگری به نهاد دولت مدون در ایران نیز بود. این دومی که بسی مهم‌تر از اولی است عمدتاً عبارت از پذیرش تناقض‌های وجودی زاینده و دوران ساز در دوران این جمهوری است. این تناقض‌ها را در گذشته‌ها یا دولتی‌گرایی که فهرست تشریحی آنها در متن آمده است به نحوی تعیین کننده به آن مناسبت که در

ایده تأسیس جمهوری اسلامی از اهداف قابل مقایسه و متناظر با اهداف اصل مدرنیته و انسان مدرن پدید آمده است. ایده کسفی که تنش تناقض‌های بزرگ مایه زندگی و جنب و جوششان است به همین همین تناقض‌های بزرگ و توش آفرین جمهوری اسلامی تفریباً به جهت‌های زندگی در چنان متنی را فرامی‌گیرد و تاحدی فرا گرفته است. استیصال از تناقض‌ها و پیش‌برخ آنها تا آخرین حد عملاً گستره بی‌پایانی از ظرفیت‌ها را پیش روی جمهوری اسلامی می‌نهد و فضاهای عمل را می‌گستراند.

مقاله حاضر با مسیری در گذارها و مواضع امام خمینی (ره) در پی آن است که نشان دهد چگونه پذیرش مبتکرانه تناقض‌ها در ایده‌های مرکزی و بنیادگذار دولت جمهوری اسلامی، ظرفیت‌های فراوانی برای تکمیل آبی این دولت می‌آفریند و آفرینده است. اما در باره دولت مدون در هر یک تاریخ دولت مدون در ایران و تعریف آن نیز تفاوت آراء وجود دارد اما مفیدتر و رایج‌تر آن است که تاریخ دولت مدون را در ایران از سال ۱۳۰۲ (تاجگذاری رضاشاهن میر بیخ) در نظر آوریم. از این تاریخ به بعد خصایل مدرن دولت در ایران هیچ‌گاه زایل نشده و گسرتش نیز یافته حتی هنگامی که در سال ۱۳۵۷ اهداف و رفتارهایی اسلامی و غیر ناشی شده از اقتضات دور زمین بر آن بار شد. دولت مدون حاصل مجموعه‌ای از شرایط تاریخی در قاره اروپا است که گرد هم آمده و سپس ساختار یافتند البته دولت مدون را می‌توان در همین حال

تصور یک یا چند فلسفه نیز تلقی کرد و بدین ترتیب برای آن مرزهایی فکری و دور از دسترس فراهم ساخت که نهایتاً فقط چند دولت اروپای غربی به طور فسی شامل آن شوند. اما از یک دیدگاه دیگر، مفیدتر و برادر تر آن است که دولت مدون را مجموعه‌ای مشابه هم از روش‌ها، ویژگی‌ها و رفتارهای گسترده نسبتاً ماندگار در نظر بگیریم. ماکس وبر کمک می‌کند که بتوانیم تصور روشن‌تری از این تعریف به دست بیآوریم. اما قبل از آن بد نیست بنایم تا حدود یکصد سال پس از مرگ ماکس وبر، هم‌چنان ادبیات مبسوط پیرامون دولت مدون چیزی جز توسعه و شرح و تفسیر اندیشه‌های وبر در خصوص تاریخ جدید دولت اروپایی نبوده است. فخر معرط نظریه ماکس وبری در هر یک عمیقاً پدیده دولت نیز در جای خود به رواج و حرکات و پیری کمک کرده است. تنها در سالیان اخیر است که در پرتو گسادی تعاریف ساختاری (عمدتاً ماکس وبری) و کارکردی (عمدتاً رفتار گرایانه) و رونق تعاریف اخلاقی، پراکنش و پیری هر یک دولت نیز با تحول جدیدی مواجه شده است. طی این تحول دولت مدون هر حلقه با پندای از تاریخ تحول اجتماعات سیاسی خاص تصور می‌شود و نه پنداری علم مستقل و معجزه گون. اما از قضا این درک از دولت نیز چنان که خواهیم دید به خوبی به کار درک تاریخ دولت جمهوری اسلامی می‌آید. بدین طریق، اندیشه و عمل دولت جمهوری اسلامی چنان که خواهیم دید هم با نظریه وبری و هم با درک تاریخی، خلاصه‌ای از دولت در سازگاری است. از دیدگاه ماکس وبر، در دولت مدرن:

۱- محصل کنترل بر ابزار ساخته ۲- مشروعیت قانونی کنترل ابزار مسلط به منظور تضمین استفاده از آن ۳- یک سازمان عقلانی اداره کننده جامعه بهر همت از مأموران آموزش یافته و تدارک شده و بر مبنای آن ۴- سود، شتم ماریت منظم، مضبوط و مداوم ۵- نیروی نظامی ساختار یافته متحدالشکل و حرفه‌ای و ۶- محصل مصوبت قانونی وجود دارد.

روشن است که این ویژگی‌ها در دوران جمهوری اسلامی هیچ‌یک رقتی ندارند، بلکه تقویت و گسترش نیز یافتند. اگر از اهداف و از محتوا موقتاً در گذریم، جمهوری اسلامی هم در سطح ساختار و هم کارکرد افاده و توسعه یک دولت ملی-دموکراتیک قانونی و خلاصه مدون در ایران است. جمهوری اسلامی هیچ‌یک از این خصایل را برای دولت ایران بیسلس نگراند اما آنها را افاده داد و کمال بخشید و به نحو دوران ساز آنها را در سراسر مساحت خاورمیانه مطرح ساخته و پذیر این جمهوری انقلاب اسلامی البته در سطحی پدیدار شده است. عمده عمدتاً دولتی مدون است و بیشتر نشانگر تداوم و استمرار است تا آغاز. اما نکته اساسی آن است که تئوری‌های قابل تأمل از دل همین تداوم برمی‌خیزد. تمام سخن این است که جمهوری اسلامی در شکل و رفتار، دولتی متمایز از تاریخ دولت مدون در ایران نیست. اما این حال حامل تاریخی و تمایزی بنفادین و از این حیث امری بسیار شایان تأمل است. اما چرا جمهوری اسلامی به معنای تئوری برآمده از دل تداوم است؟ ابتدای این پرسش آغاز کنیم که

چه هویت بنیادینی است که پدای سیاحت و تغییر را می آفریند یا آن را تجربه می کند؟
در باره هویت بنیادین جمهوری اسلامی
مقتضای رهبری و دیگر دستخوردگان جمهوری اسلامی، نظام مورد نظر خود را با مسر و مدهای تلویزیکی قزولان، پینان لنگر فصد به ویژه امام خمینی (ره) همواره یا استعمال و به نحوی که ممکن بود تقلیل گرایانه به نظر برسد از وحدت دو عنصر اسلامیت و جمهوریست سخن می گفتند. تمام مر سال های آغازین تأسیس جمهوری می گوید ناظران را متقاعد کند که جمهوری اسلامی یک جمهوری غیر متعارف نیست معمولی است. چه همان طوری که همه جاهستان (۱) چه همان معنایی که همه جا هست (۲)، به سادگی جمهوری اسلامی، جمهوری است برای آنکه به اراده اکثریت مردم متکی است و اسلامی است برای آنکه قانون اساسی اش عبارت است از قانون اسلام (۳).

روشن گشت که امام (ره) بر تفهه تأسیس یک دولت توأمان مدون و اسلامی را به نحو ساده ای صورت بندی کردند و عجیب آنکه سوسی آن را به واقعیت سیاسی هم پیوند زدند از زمانی که جمهوری اسلامی از یک طرح به یک واقعیت بدل شده دیگر بی مسمی می بود که بپرسیم یک جمهوری توأمان مدون و اسلامی به لحاظ نظری چطور ممکن خواهد بود، بلکه درست آن خواهد بود که بپرسیم تأسیس یک جمهوری توأمان مدون و اسلامی به لحاظ عملی چطور ممکن شد؟ درست تر حتی این است که بپرسیم این جمهوری با دوگانگی ای که عمداً در آن پذیرفته شده است، چه امکانات چالش ها و آینده ای را پیش روی دارد؟ خواهیم دید که به مدد تناقض ها جمهوری اسلامی، راه بی پای از امکانات و ظرفیت هاست اما چنان که بیشتر بیان شده بهتر است ابتدا ببینیم که چه امر ثابت یا هویت بنیادینی در پشت تناقض های ظاهری جمهوری اسلامی وجود دارد؟

از نظر امام این دولت در ذات خود چیزی جز دعوت یا فراخوانی نیست (۴) دعوتی به آشتی با خداوند در صلح است یا تلاش برای معنویت بخشیدن به نور جمعی زندگی افراد دعوتی که از زمان تاریخ جدید اروپا (و جهان) به این سو معقول مانده بود این دعوت اساتذ به جای دولت ها به ملت ها نظر دارد و در ارتباط خود با ملت ها نیز، چندان ملاحظه گر واقعیت های سیاسی فرهنگی، اقتصادی آنها نیست، بلکه درون عقاید و باورن آنها را مورد خطاب قرار می دهد. جمهوری اسلامی به عنوان دولتی مسمی صورت نهادین - حقوقی این دعوت است اما بی این حال به دلیل ذات یا فلسفه تأسیس خود، دولتی است که در یک دولت ملی مدون خلاصه نمی شود و در آن به نهایت خود نمی رسد دولت جمهوری اسلامی یا همه اصیت خود به تصریح لفظ قطب شکل یافته است (۵) دولتی صرفاً برای دولت بودن نیست یک نتیجه این حقیقت آن است که لا جرم جمهوری اسلامی به خودی خود و فتنه حوری جسمی یا هیچ دولت و نظام مستقری نیست جمهوری اسلامی محصول انقلابی برای اصلاح (اخلاقی) است نه انقلابی برای انقلابی گری دنیوی این دولت های نظام کهن هستند که انقلاب ایران را پرستی علیه معاد و تقویت خود می انگزند و نسبت به آن خصومت می ورزند.

فرازهای متعددی از گفتارهای امام خمینی نشان می دهند که آخرین یا مهم ترین هدف یا فراغای دولت جمهوری اسلامی، ساخته شدن انسان نوی (ص) است. بنابراین بحث نه چندان در سر قضیه تغییر زندگی بلکه بر سر تغییر معنای زندگی است (۶) در این مورد امام نه چندان قزولان، اما طرف و سخت معتقدانه سخن گفته است. روشن گشت که چنین فضای متاثرکننده ای بر مرز شنید و ملت های مخاطب این فراوانی تاملات مانده به مرزهای ملی شان نخواهند ماند. از این رو است که از نظر امام (ره) جمهوری اسلامی، گویای امپریالیزم (گسترش طلبی) ناگزیر است (۷).

تناقض های بزرگه ما به تیش زندگی است خواننده هوشمند ناگهان در پخته است که نظام

جمهوری اسلامی صرفاً حوری تناقض (دوگانگی) بین جمهوری مدون و اسلامیت مطلق مدون نیست. واقعیت آن است که جمهوری اسلامی در متنی از تناقض های بزرگ به حیات خود ادامه می دهد اما این تناقض ها زایشگری و تیندگی دارند و از میله خود کشاکش های حیاتی خاکی می کنند. تناقض ها چنان که بر خیز فلاسفه تذکر می دهند، یک راه و نیروی مهم پیشرفت زندگی است. تکلی می به گذشته تاکنون نشان می دهد که جمهوری اسلامی از میله تناقض های متعددی ر می یابد که همگی در نام سه گانه جمهوری اسلامی ایران، مستترند و در واقع از آن بر می خیزند نامی که خود چنان که بیشتر خواهیم گفته بیشتر حاصل و سرسری از تاریخ به زمین حال است. تناقض ها بین فردیت، قلم ایرگی و اهمیت رهبری مقدم دست جمعی (وحدت کلمه)، تناقض بین مفردیت و اسلامیت بیس یک امین الهزم ناگزیر ناشی از پیام های اخلاقی انقلاب و احترام به حق تعیین سرنوشت دولت ها تعهد دکتینی هم به گذشته حسرتی و هم به آینده مهدوی، بین مصالح کشور و اراده خطنندی، بین عقیده به خواست مردم و عقیده به خواست خداوند، بین آزادی جامعه و قدرت ولی فقیه، بین اراده منفیر مردم و اراده نسبتاً ثابت فقیه، بین ارزش های دموکراتیک و ثنوکراتیک، بین کمک مستقیم به مستضعفان جهان و اراده همگاری یا دولت های اسلامی برای تحرک بخشیدن به امکانات جهان اسلام، بین اراده به دولت ملی بودن و ناعیه عنایت در نظام بین الملل داشتن، و به اصطلاح بین جمهوری ای برای ایران و نظمی برای جهان، بین نشانگان اشکار الیگارشیک و دموکراتیک در درون ساختار سیاسی نظام، توجه همزمان به ملت های مسلمان و دولت های مسلمان و مجموعه اینها امکان تحقق سپهر وسیعی از چالش ها و در پی آن، ظرفیت ها و رفتار ها گزینش ها و تغییرات راه ذهن متبادری می کند. به دلیل همین تناقض ها در طول حدود سه دهه از زایش یا تأسیس این جمهوری، چسبندگی کامل از تاریخ سیاسی و فکری اروپا از سر گذریده شده است. حاکمیت پارلمان، رونق گرایش های سوسیالیستی، رواج اندیشه بازار، حاکمیت لیبرالیزم تکرری، فتنه و عمل دولت اقتدارگر از قدرت ریس جمهور (مستقیم) کمبیش ریاستی، همه از اصلاحیه قانون اساسی در سال ۱۳۶۶، توجه به روایت های مارکسیستی و لیبرالی جهانی شدن و این تناقضات گرچه ممکن است نهایتاً در سه یا چهار تناقض اصلی جای گیرند، اما در عمل هر یک به تنهایی می تواند مضری برای تیش ها و چالش های مفروض واقع شوند.

گویی این جمهوری، همه پیچیدگی های نهادینی را گذارده بود که پس از استقرار، آن را نشان دهد. برخلاف آنچه روشنفکران و اصحاب ایدئولوژی در ایران می اندیشیدند و می اندیشند، ثقل ثقل بودن و چالش مندی این تأسیس نه در آغاز، که در تداوم آن نهفته بود. این پس از گذشت حدود سه دهه از انقلاب اسلامی و با آنکه در تجربه های که از سر گذریده شده می توان گفت که جمهوری اسلامی، یک پروژه تمام شده نیست، یک راه باز است پرستی باز که به سوی آینده یال کشنده پودنی فرازنده و حوزهای همچنان آکنده از تکشوف و هفت و امکانات آن می باشد. اگر چه نمی آید اگر بخوایم به کلام امام (ره) سخن بگوییم، این در حقیقت جمهوری اسلامی و تحقیق جمهوری اسلامی، فاصله قزولان است (۸) در مسر عزیمت از نقطه آغاز، تفرار به سوی تحقیق جمهوری اسلامی (تحقیق ظرفیت ها یا اراده مندرج در آن) تحولات و تزگی های حی حوری می دهد. همسار در دوران مقدمه به سر می رسد (۹) دوران مقدمه همچنان ادامه دارد. اگر بخوایم با هدف طرح یک دور بعدی تفریحی به گفتارهای امام بنگریم، می بینیم که در آن هر هدفی که به دست می آید، بلافاصله حالت کینگی به خود می گیرد (۱۰) گویی در جمهوری اسلامی ضرورت ها اجابت می شوند تا کینه شوند و پله تحقیق امر ناگزیری واقع شوند. تاریخ جمهوری اسلامی عجولانه به پیش می رود و این رو دولت جمهوری اسلامی، در طبیعت خود، یک - اختار قانونی یا کارکردهای مشخص

به حنجلکه ما به تیش یک دگر گونی پذیر می مستمر است. ظرفیتی برای این برای اجابت ضرورت های تغییر یافته است. این وضعیت می تواند پیاپو و پدشهایی باشد که در خصوص تجربه مدنیته صورت می گیرد. چه اینکه حسب قول مشهور، مدنیته نیز به مدد تناقض هایش می زید. هر چند از سویی گفته می شود که مدنیته کلی نوع بشر را وحشت می بخشد اما این وحشتی معمولی و تناقض آمیز است. وحشتی مبتنی بر تفرق و این وحشت همه را به درون گردناب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می انگزند. گردناب مبارزه و تناقض، انبام و کشاکش (۱۱) در اینجا نقطه مقابل تناقض، سنگ و زرگی و یکپارگی منقلب اما ناپایدار است. مفهوم تداوم در درون خود، مفهوم تزلزل و تناقض را توأمان نهفته دارد. در حالی که یکپارگی و سنگو زرگی، بر عکس مفاهیم محکم بودن و بی دوسی را در خود دارد. فرد ممکن است در این حال به یاد جمله مشهوری از کرول ملرگس بیفتد که روح مدنیته را بزرگی می گرداند آنجا که می گفت هر آنچه سخت و مستحکم است، دومی می شود و به هوای رود (۱۲).

ریشه ظرفیت جمهوری اسلامی برای نازگی پذیری، از یک نظر، در تناقض هایی نهفته است که در نام جمهوری اسلامی ایران، جای گرفته است. همان طور که یاد شد حقیقت آن است که تقریباً همه مانیاز داریم که تصور خود از تناقض و اصلاح نماییم. لقب این گونه است که ما هنگامی که لفظ تناقض را می شنویم، بلافاصله در ذهن خود دآوری صریح در باره حکمی که تناقض در وصف آن به کار رفته صورت می دهد. یعنی همزمان آن را نادرست می انگاریم. گویی وجود تناقض در یک حکم یا تصور، یعنی دالان ورود به اثبات نادرستی آن حکم از این رو همچنان می گوئیم از تناقض فرار کنیم. حتی فلاسفه نیز از تناقض می فرسایدند و بر پی فراز آن در پی خلق منظومه های جامع نظری پودند. اما دور تو در مقام اقتدار از این اقدام فلاسفه می گویند هر گاه خواستیم اندیشه ای کلی و جهان شمول خلق کنیم که همه آدم و عالم را توضیح دهد، دست آخر باز هم به تناقضات بنیادینی رسیدیم که همه را ساخت نماید کرده است. پس به دنبال کالبت (واحد در تکلی) نباید بود. کلیت (یعنی نقطه مقابل تناقض) حقیقتاً راندارد (۱۳).

دو نوع تناقض
نکنه مهم در باره تناقض آن است که در آن نباید نسبت های منطقی و نسبت های واقعی را با هم اشتباه کرد. تناقض در اندیشیدن (یعنی تخلف منطقی) چیزی است که از بنیاد واقعیت و فرهای متضاد (یعنی متخلف فیزیکی) متفاوت است. تصور یک جسم که در یک زمان، هم حرکت دارد و هم حرکت ندارد یک تناقض منطقی است اما تصور جسمی که در یک زمان به وسیله دو نیروی برابر، به دو سوی متضاد کشیده می شود، نه تناقض منطقی بلکه تناقض فیزیکی است و نتیجه آن سکون، یعنی تعادل است. در تناقض منطقی، اندیشه حرکت خود را نمی می کند و نتیجه آن هیچ است. اما نتیجه تناقض نیروهای متضاد، صورت ثبات و سکون ظاهر می شود. یک تناقض منطقی هیچ گونه واقعیتی ندارد اما ضد های واقعی مانند خوشی و رنج و عشق و بیزارگی می توانند با هم باشند.

تناقض بین جمهوری و اسلامیت و دیگر تناقضات هر چند مفهومی بنیادین تناقضاتی منطقی نیستند، بلکه ابزاری اند از این رو، نتایج این تناقضات مهم است. نه موقعیت مفهومی متناقض در درون ایله جمهوری اسلامی، در تاریخ جمهوری اسلامی، تناقضات در خدمت نتایج عملی پودند و در آن چندان تمهیدی به تنظیم مفاهیم و توجیه عملی تجزیدی وجود نداشته است. در مقام تصویری از این تاریخ می توان گفت در مسیر های متناقض و متعاند پیش رفتن یعنی نیرو و شوق و اراده پیشروی تا فراختاری امر ممکن. جمهوری اسلامی جمهوری بی است که تنش تناقض های بزرگه مایه زندگی و جنبش و جوشش آن است. سده در مقام تضاد، یک نتیجه از تاریخ جدید جمهوری اسلامی آن است که این دولت نه آنکه تناقض ها را در جای خود باقی می گذارد و نه نمی دارد حتی بیشتر از این، تناقض ها را تا آخرین درجه ممکن به پیش می راند.

به عنوان یک مثال، جمهوری اسلامی هم تحکیم نقش مردم و هم تحکیم نقش شایسته سالاران اهل قضاوت را تجربه کرده است. جمهوری اسلامی خواسته یا ناخواسته آموزگار یا در حال آموزش این درس سیاسی بزرگ است که کشش فتنه پدیده نیروهای متعاندی به جهت های متعاندی، علاعادی می آفریند. به یک عبارت ساده، تعادل و ثبات حاصل کشش هلاک و نیروهای متعاند به مسووم های متعاند نیست.

در حالی که دوسویگی های مندرج در نام و فضای جمهوری اسلامی نه تناقض منطقی بلکه بیشتر تناقض نیروهای متضاد است اما روشنفکران انتزاعی اندیش (بر دکان نظریات پرشکوه) این تناقض ها را

منطقی می انگارند. اتصال جمهوری مدون و فلاسفه مطلق مدون، برای آنان یک ترکیب نظری بسیار متعادل و قابل ثقل بود. آنها حسب عادت فکری شان، با این پدیده چند وجهی، به برخوردی صرفاً نظری کردند. به عبارت دیگر، اصحاب ایدئولوژی به مدد نظریات پیشینی (مقدم بر تجربه) و ارزشی های نظری گذشته، با واقعیت دولت سازی در ایران رویه رو شدند و نمی توانستند و نمی خواستند درک می و مسئله از این میعادعت عملی به دست آورند. اما نبل به در کسی ایدئولوژیک از دولت سازی جدید در ایران، در ابتدا نه آنکه ضروری نبود، بلکه ضرر هم بود. روشنفکران در ایران همچون همه روشنفکران دیگر، در معرض این خطرند که به بهای نبل به درکی شکوهند و بیک واقعیت خود واقعتاً را نبینند. هر یک پیوند بین اسلامیت و جمهوری برای بلند پروازان فلسفی (اصحاب ایدئولوژی) در ایران بسیار دشوار بود و هنوز هم هست. اما برخلاف آنان، امام خمینی در برابر پرستش های مکرر و مصراته خیر نگاران در خصوص نحوه پیوند دو عنصر جمهوری و اسلامیت هر پله به سادگی بر امکان همگرایی بین اراده ملی و اراده اسلامی، امر ایرانی و امر الهی و خواست آزادی و خواست بندگی پای می فزود و آن را ممکن و شدنی می نماید.

یادداشت ها:
1-Bertrand Badie and Pierre Brinaud, The Sociology of State (Chicago and London: Chicago Univ. Press, 1979) P 17-24

- ۲- صفحه نهم، سده تنظیم نشر اثر اسلام خمینی ج ۴، ص ۲۲۹.
- ۳- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۴- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۵- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۶- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۷- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۸- همین نتیجه است که از جمله می تواند در مطالعه سخن امام در این زمینه مشاهده شود. همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۹- همین نکته نیز موضوع تأکیدات قزولان امام (ره) قرار دارد. همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۱۰- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۱۱- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۱۲- همان ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۱۳- همان ج ۴، ص ۲۰۵.

